مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دو فصل نامهٔ علمی(مقالهٔ علمی – پژوهشی)،سال دوم، شمارهٔ اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۱۵۴-۱۳۱

معماری دورهٔ شهرنشینی ایران‌باستان به روایت هنر مهرسازی

مرتضی حصاری[۱]

چکیده

ایران به لحاظ دارا بودن حوزه‌های مختلف جغرافیایی، دربرگیرندهٔ جوامعی با نظام‌های فرهنگی-تاریخی متفاوت است. بر پایهٔ چارچوب‌های نظری و مدارک زبان شناسی- باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از محوطه‌هایی با حوزه‌های فرهنگی مختلف ایران، می‌توان گونه‌های معماری ایران باستان را بازسازی کرد. مقطع زمانی این پژوهش دورهٔ شهرنشینی که تطور یا به نوعی تغییر نوع زندگی از روستا به شهر است، مورد بررسی قرار می‌گردد. یکی از این منابع که می‌توان از آن برای این پژوهش استفاده کرد، مهرها و نقوش‌مهری به‌دست آمده از فعالیت‌های باستان‌شناسی است. در این پژوهش سعی خواهد شد با روش توصیفی-تحلیلی و داده‌هایی که صرفاً مهر و اثرات مهری هستند و به‌صورت کتابخانه‌ای و در اندک موارد به‌صورت مستقیم به آن‌ها دسترسی داشتیم استفاده کرده، به پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ دهیم. این پرسش‌ها شامل، مشخص شدن کاربری برخی از سازه‌های معماری این دوره است که شامل معابد، قصر، انبار و سیلو، و احتمالاً آغل و طویله هستند. دیگر پرسش این پژوهش این است که چه تفاوتی بین فضاهای آئینی و درباری وجود دارد؟ و پرسش آخر این است که چرا تمامی

[۱] گروه باستان شناسی دانشگاه هنراصفهان ، mhessari@aui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۱/ ۲/ ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۵/۲/ ۱۳۹۹

اثرات مهری مربوط به معماری انبار و ذخیرهٔ غذایی در خوزستان بـه‌دسـت آمـده است؟

کلمات کلیدی: خوزستان، اروک، بین‌النهرین، شهرنشینی، آغازایلامی.

۱. مقدمه

مهرهای با نقوش دنیوی و روزمره زندگی ساده‌تر متعلق به افراد بـا شـأن اجتمـاعی پایین و مهرهای با نقوش پیچیده **و آئینی** متعلق‌به افراد با مرتبـهٔ اجتمـاعی بـالا بـوده و به‌منظور مهروموم کردن انبار و کالاها و نامـه‌هـای رسـمی اسـتفاده شـده‌انـد. از جملـهٔ این‌گونه مهرها، مهرهایی با نقوش معماری هستند، از این زمان ساخت بناهـای مـذهبی، اقتصادی، سیاسی و همچنین شهرهای چندین هکتاری آغاز شد، این در حالی اسـت‌کـه در حال‌حاضر هیچ سازه‌ای از این دوره در دست نـداریم و فقـط همـین آثـار مهـری و تعدادی محدودی اثر، نشانه‌های ما از وضعیت معماری آغاز شهرنشینی هستند.

در بازشناسی معماری این دور، در کنار یافته‌های کاوش در محوطه‌های مختلف این دورهٔ، نقش‌مایه‌های مهرها به شکل مستقیم در بازشناسی گونه‌های سـاختمانی و فضـای معماری بزرگ این دوره، سلسله مراتب هرم قدرت و هم اهمیـت آئـین، جهـان‌بینـی و اعتقادات مردمان آن دوره را بازسازی می‌کند. از این‌رو شناخت اجزای این نوع بناهـا و بازخوانی نقش مایه‌هـای مهرهـا کـه دال بـر موضـوع و شـاخص‌هـای معمـاری ماننـد چهارچوب‌های در، عناصر پوشاننده، مصالح ساخت و نشان‌های آئینـی بـر روی بنـا را معرفی و مورد بحث و تحلیل قرار خواهند گرفت. باید در نظـر گرفتـه شـود براسـاس یافته‌های فرهنگی در قرن گذشتهٔ میلادی در شوش، گودین و... و یافته‌هـای جدیـد در سفالین مانند؛ نمونه‌های گل‌نوشته‌های ابتدایی حسابداری و در ادامه گل‌نوشته‌های آغـاز ایلامی، مهر و اثر مهرهـای دورهٔ شهرنشـینی از ایـران، چـارچوب‌هـای مسـتقلی بـرای فرهنگ و هنر ایران‌باستان در این دورهٔ فرهنگی می‌توان متصور شد؛ نیز براساس آن‌چه

به‌عنوان نظام جهانی اروک برای حوزهٔ جغرافیایی جنوب‌غرب آسیا(ایران، ترکیه، سوریه و عراق) معرفی شده است(Algaze, 2006)، باید بیان کرد که در نوع ساختار شهرنشینی ایران و بین‌النهرین، در عین شباهت‌ها(Algaze, 2008: 30-33; 43-50)، تفاوت‌های مختلف و چشم‌گیری از نظر موقعیت جغرافیایی، منابع‌طبیعی زمینی و زیرزمینی دارند و این تفاوت کاملاً مشهود است که برخی از پژوهشگران نظر نظام جهانی را تعدیل و برخی نیز آن‌را نپذیرفتند و آن‌را یک نوع جابه‌جایی، تعامل و تبادل فکر در نظر گرفته‌اند(حصاری، ۱۳۹۲: ۴۳-۳۹؛ Jennigs, 2011: 50-58)

هدف از این پژوهش، بازسازی بخشی از معماری یادمانی ایران‌باستان براساس نقش‌مایه‌های مهرهای همان دوره است. در این راستا، شناخت اجزای این نوع بناها و بازخوانی آن با محیط اطراف و تطابق آن با نمونه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها در بین‌النهرین و استفاده برخی متون زبان‌شناسی گام اول در بازشناسی گوشه‌ای از معماری این دوره است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

اولین پژوهش در مورد سبک‌های معماری براساس نقوش مهری در سال۱۳۹۱ش. منتشر شد(حصاری و ایروانی،۱۳۹۱). در سال۱۳۹۶ ش. نیز مقاله‌ای دربارهٔ مدل‌سازی معماری براساس نقوش ظروف سنگ‌صابونی انجام گرفته است(حصاری، ۱۳۹۶). در منابع لاتین نیز دو کتاب دربارهٔ بازسازی معماری کاخ‌ها و منازل بین‌النهرین در دورهٔ تاریخی براساس شواهد به‌غیر از بقایای معماری پرداخته است (Heinrich, 1957& 1984). اما در فرهنگ معماری دورهٔ آغازشهرنشینی در عراق امروزی، فرهنگ و تمدن باستانی بین‌النهرین، مطالعاتی در خصوص معماری این دورهٔ فرهنگی انجام گرفته است. بخشی از این مطالعات درخصوص یافته‌های معماری و بخشی دیگر بر روی آثار

هنری مانند هنر مهرسازی است (Eichman, 2013:120-126; Blocher, 2013: 83-88; Dittmann, 2013).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای نظامی کیفی، و هدف آن بنیادی است. همچنین از نظر روش، توصیفی- تحلیلی است و از نظر نوع تحقیق، تاریخی فرهنگی است. روش یافته‌اندوزی این پژوهش براساس یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی است و به مقدار اندک از منابع زبان‌شناسی بهره گرفته شده است. به‌منظور شناخت و بازخوانی یادمان‌های دیوانی و آئینی، با استدلال قیاسی و تحلیل‌های نظری مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این ارزیابی، فضاهای یادمانی به‌دست‌آمده بر روی نقوش مهرها جهت شناخت عناصر آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

- منابع نقش‌مایه‌های معماری و نکاتی چند

در بین آثار در اختیار و منتشرشده چند نکته قابل تأمل است، ابتدا حتمی و غیرقابل تردید بودن نقش است. نقوش مورد بررسی، به‌طور قطع نمایش‌دهندهٔ معماری هستند چه معماری کانون اصلی نقش بوده و چه به‌صورت حاشیه نقش شده باشد. برخی از موضوعات نقش‌مایه‌های منتشرشده در دورهٔ شوش۲ (اروک) و آغازایلامی و دورهٔ هم‌زمان آن در بین‌النهرین یعنی جمدت‌نصر فقط متعلق‌به خوزستان هستند و نکتهٔ دیگر این است که نقش‌مایه‌های با موضوع معماری بعد از دورهٔ شوش۲ در خوزستان و اروک در بین‌النهرین به‌شدت کاهش یافته و تقریباً در دورهٔ جمدت‌نصر در شمال بین‌النهرین به صفر می‌رسد هرچند که در دورهٔ سلسله‌های قدیم آثار معماری بر روی مهرها ظاهر می‌شوند. و نکتهٔ آخر، در چغامیش آثار مهری شاخصی یافت شده است که در هیچ محوطهٔ دیگری چه در ایران و چه در عراق به دست نیامده است ولی این آثار مهری با یافته‌های معماری کاوش‌های باستان‌شناسی مطابقت ندارد (Kantor &

Delugaz, 1996: Pl 264). در شوش، دورهٔ شهرنشینی(شوش۲)، ۲۳ نقش معماری یافت شده که سه نقش خانه، سه نقش معبد و هفده نقش نشان‌دهندهٔ انبار و محل ذخیرهٔ آذوقه است. در چغامیش نیز۱۰ اثرمهر با نقش معماری پدیدار شده که سه نقش خانه، یک نقش معبد و شش نقش انبار ذخیرهٔ غذا است. در بین‌النهرین، تاکنون ۲۲ نقش خانه و ۱۱ نقش معبد در بین آثارمهری یافت شده است(Dittmann, 2017: 125). در محوطه‌های فرات این نقوش کمیاب هستند و فقط در حبوبه‌کبیره و حاج‌نبی مشاهده شده‌اند. در حبوبه‌کبیره٤ نقش معماری ظاهرشده که یک نقش معبد، دو نقش خانه و یک سازه ناشناخته که کاربری آن نامشخص است(Strommenger et al., 2014: Taf 193.1). مسئلهٔ قابل توجه در مورد نقش معبد در این محوطه این است که این معبد در محاصرهٔ مرغان است(Rova, 1994: Tav 2.36). اما در حاج‌نبی شواهد کاملاً متفاوتی از محوطه‌های جنوب بین‌النهرین و فرات داریم. در این محوطه یک نقش کم‌عمق(Stein, 1999: Fig 7) که کاملاً شبیه به نمونه‌های ایران(شوش و چغامیش) است، یافت شده که احتمال زیاد تعاملی بین این محوطه و شوش و چغامیش دایر بوده است. شواهد دیگری نیز از این تعامل به دست آمده که پیتمن به آن‌ها اشاره کرده است(Pittman, 1999: 50, Fig 3.3). ازاین‌رو که شواهد دورهٔ شهرنشینی ایران بیانگر سنتی طولانی انبارهای ذخیره‌سازی است و آن‌ها قطعاً پیوستگی به معماری پیشرفته‌ای داشته‌اند که در دیگر محوطه‌ها و مناطق نیست.

٤. انواع نقوش

الف. معماری با مصالح کم‌دوام (مضیف)

نقش معماری حصیری و چوبی کمتر از معماری گلین در میان نقوش مهری خوزستان و بین‌النهرین در اختیار داریم. تاکنون اثری از این نوع معماری در کاوش‌های باستان‌شناسی نیز به دست نیامده است که به‌خاطر استفاده از مصالح کم‌دوام این مسئله

طبیعی به‌نظر می‌رسد و گواهان ما برای این گونه سازه‌ها، همین نقوش هستند. این نـوع بناها معمولاً در کنار یا در میان بین گلهٔ حیوانات اهلی قرار گرفته‌اند، ارتباط ایـن نـوع سازه‌ها با گلهٔ حیوانات روشن است، این حیوانات یـا در حـال ورود و خـروج از ایـن خانه‌های حصیری هستند یا در کنار آن‌ها در حال گذر هستند. این احتمـال وجـود دارد که این نوع سازه‌ها، آغل یا طویله باشند، ولی مضمون نشان‌گرهای معبد، به‌عنـوان نمـاد و نقش‌مایه گلهٔ مقدس، از دورهٔ Sin II تأیید شده اسـت(Dittmann, 2017: 127) با برخی از احتمالات این‌چنین اثرات‌مهری در اور، اروک و لاگاش نیز در در دورهٔ اولیه سلسله‌های قـدیم وجـود دارد(Huh, 2008: 142, 148 & G 179a) هـر چنـد از دورهٔ مورد نظر ما جدیدتر هستند. نمایش دادن معابد در اور از پیت غربی، حتی اگر هم تاریخ مطلق نداشته باشیم، قطعاً این اثرات‌مهری متعلق‌به سلسله‌های قدیم پیش از سبک فارا است(Dittmann, 2013: 77). مهرها و اثرات‌مهری که در اور به دسـت آمـده و نشان‌دهندهٔ معماری با مواد سبک و بی‌دوام است و بعیـد نیسـت شـبیه معمـاری منـازل مناطق باتلاقی جنـوب عـراق و خوزسـتان باشـد(Van Ess, 2013: Abb 3.3) کـه کاملاً این قضیه با وضعیت محیط‌زیسـت‌آور رابطـهٔ مسـتقیم دارد، هرچنـد کـه بقایـای معماری به‌دست‌آمده از اور همگی از خشت و آجر ساخته شده است که ایـن مـورد در معماری اروک و همچنین عبید نیز صدق می‌کند.

براساس نقش‌مایه‌ها، خصوصیات ظاهری این سازه‌ها کاملاً مشهود و به‌راحتی قابـل تشخیص هستند، نیم‌طاقی حصیری و برش‌های رگه‌مانند از مشخصه‌های اصـلی نمـای این گونه سازه‌ها هستند، که هم‌اکنون نیز در میـان طوایـف خوزسـتان و جنـوب عـراق ساخت آن ادامه دارد. براساس تصاویر مهری، این گونه سازه‌ها با چندین دسته نی نسبتاً ضخیم تالاب که با لیفه‌های نخل محکم بافته و بسـته شـده، سـاخته شـده‌انـد. بـه‌نظـر می‌رسد ابتدا آن‌ها را به‌صورت لوله و اسـتوانه درآورده، مقـداری از آن‌هـا را بـه‌عنـوان ستون در زمین دفن کرده، در عین‌حال این ستون‌ها نقش حائل و پشتیبان را در نمای بنا دارند، سپس مابین آن‌ها را با حصیرهای از پیش‌بافته شده، پوشش می‌دهند. در حقیقـت

حصیر، نقش دیوار را در این سازه‌ها بازی می‌کند. آن‌چه از تصاویر مهری مشخص است، تزئینی بودن برخی از نقاط دیوار است که با برآمدگی و فرورفتگی این عنصر ساخت ایجاد شده است. در بیشتر تصاویر در و پنجره‌ای وجود ندارد و فقط در یک مورد در و پنجره مشاهده شده(تصویر۱ ت) که احتمالاً از چوب یا حصیر ساخته شده‌اند. همان‌طور که در تصاویر ارائه شده در این موضوع ملاحظه می‌شود، بر درگاهی و همچنین رأس گنبد حصیری، نشانی بنا نصب شده است(تصویر۱ الف) که در بعضی از تصاویر روی پشتیبان‌های سر در و در بالای در قرار دارد(تصویر۱ پ و ت). این نشان‌ها به‌صورت تک، جفت یا چندتایی کنار هم و یا روبه‌روی همدیگر قرار گرفته‌اند، اهمیت این نشان‌ها در این است که این‌ها، نماد خدایی مرتبط با بنا است این نشان شاخ خدایی را هم می‌توان در سردر بناهای جیرفت در هزارهٔ سوم ق.م. بر روی نقوش ظروف سنگ صابونی(حصاری، ۱۳۸٤: تصاویر٤٤ و ٤٥) و هم بر روی نقش مهری از شهداد بر سر یک انسان مشاهده کرد(کابلی، ۱۳٦٥: تصویر سه).

نمونه‌ای قدیمی‌تر از یک خط تصویرنگار اروکی وجود دارد که کاملاً شبیه سردر این گونه سازه است که توسط هانس نیسن ترجمه شده و معنای آن آغل، در و یا در کلبهٔ بزرگ است(Nissen, 1987: Abb 25) و یادآور شویم که هنوز در بین مردمان عشیره‌ای شرق خوزستان و غرب فرات، عراق امروزی کلبهٔ بزرگ معنای آغل و طویله هم می‌دهد و از همین سردرها استفاده می‌کنند. نقشهٔ سازه‌ها مستطیل‌شکل و برخی موارد دایره‌ای است. سقف سازه به‌صورت طاق گهواره‌ای است(Heinrich, 1957: 15, Abb 8) و در سازه‌های دایره‌ای، سقف گنبدی است. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، اطراف این سازه‌ها گله حیوانات اهلی وجود دارد و بدون هیچ پیش‌فرضی دربارهٔ اسطوره‌ای بودن تصاویر، تنها می‌توان گفت که گله به‌همراه گل‌های تازه‌شکفته احتمالاً صحنهٔ تغذیه دام را به‌صورت تجریدی به تصویر کشانده است(Ibid: Abb 5b). از اثرات گِل باقی‌مانده از کاوش‌های بین‌النهرین از معابد دورهٔ اروکی می‌توان به نحوهٔ بستن نی‌ها به یکدیگر و قرار دادن برگ‌های خرما بین

پشتیبان‌ها پی برد(Ibid: 16). در مورد سردر این سازه‌ها و شکل خاص آن‌هـا نظـرات مختلفی است، این علائم را به‌عنوان گلهٔ آسمانی، ارباب گله، نماد چشم و همچنین یک استاندارد یا پرچم عنوان کرده‌اند(Tallaquist, 1938: 46) به‌نظر می‌رسد سازه‌هـای بدون این نماد فقط یک خانهٔ معمولی یا یک آغل باشند و سازه‌های همراه با این نمـاد، یک حالت تقدس به آن داده است. دو نکته در پایان این مبحث باید عنوان شـود؛ یکـی این است که احتمال دارد این نقوش یک سلسله‌مراتـب جهـت مراقبـت از حیوانـات از بلایا و چشم‌زخم‌ها و ازدیاد و به اصطلح برکت‌دادن به آن‌ها باشد کـه البتـه ایـن کـلام فعلاً در حد فرضیه است. و نکتهٔ دوم دربارهٔ استمرار این نقوش در دوره‌هـای متـأخرتر است، رواج و استفاده از این نقش چـه در ایـران و چـه در بـین‌النهـرین فقـط در دورهٔ شوش۲ یا اروک بوده و تعداد آن‌ها در دورهٔ بعد به‌شدت کاهش یافته است که احتمالاً به‌خاطر وضعیت محیط‌زیست هم می‌تواند صورت گرفته باشد.

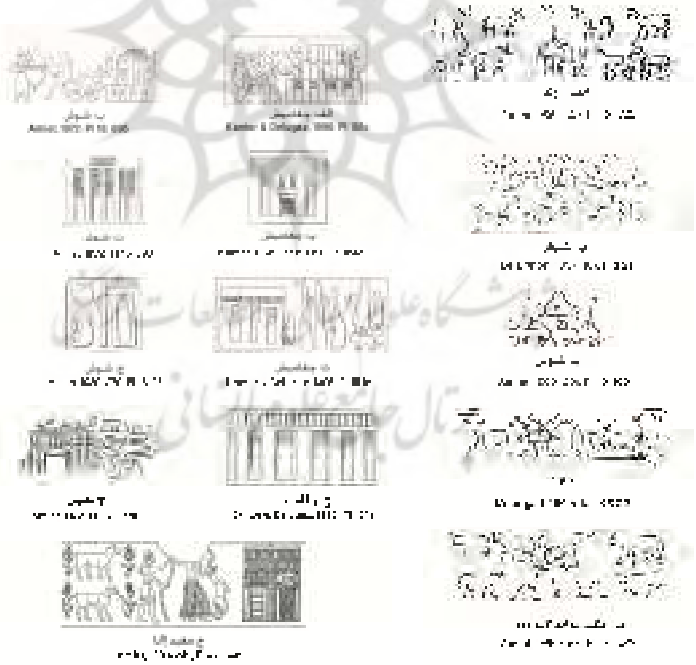

تصویر۱.

تصویر۲

ب. سازه‌های با مصالح بادوام

به هنگام بررسی این‌گونه نقوش مهری، به فضاهایی برخورد می‌کنیم که نشان از فعالیت‌های افراد نخبهٔ جامعه در سازمان‌دهی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌گذاری و آیینی آن جامعه می‌دهد، بر اساس فهرست علائم‌نگارها(تصویری و مفهومی) بین‌النهرینی، یک نشانهٔ تصویری از همین دوره، به‌عنوان کلبهٔ بزرگ و فضاهای تجمع ترجمه شده است (Heinrich, 1957: 15). از آنجایی‌که این نشانه در فهرست نشانه‌های ابتدایی آغاز نگارشی قرار دارد(Nissen, 1987: List No, 259)، و در ضمن در خط تصویری اروکی سردر بناهای با بام تخت به معنای خانه و علامت E در مرحلهٔ بعدی خط به معنای خانه مذهبی و خانهٔ بزرگ است(Nissen, 1987: Abb 275)، می‌توان این علامت تصویری را ابتدایی‌ترین نشان نگارشی بنای بزرگ یا زیگورات(فضاهای انجام مراسم عمومی/آیینی) پیشنهاد کرد(حصاری، ۱۳۹٦: ۸۷-۸٦). با توجه به این شناخت، ما باید این مطلب را در بازشناسی نقش‌مایه‌ها که به شکل هنرمندانه‌ای به‌وسیلهٔ نقر خطوط بر روی مهرهای استوانه‌ای، فضاهای دیوانی و آیینی را خلق کرده است، در نظر بگیریم. این بناهای بزرگ در برگیرندهٔ فضاهایی است که نشان از فعالیت‌هایی در بخش‌های مختلف جامعه به‌ویژه امور آیینی و دیوانی دارد. در بخش اول سعی خواهد شد بناهای با کارکرد آیینی مورد بررسی قرار گیرند و در بخش دوم به بناهای با کاربری دیوانی که نشان از سیاست‌گذاری اقتصادی دارند، پرداخته می‌شود.

۵. عمارت‌های آیینی

از ویژگی بارز این‌گونه بناها وجود نماد یا پرچم در کنار آن‌هاست(تصویر۲ ث و ج). این نماد یا پرچم هم در خوزستان هم در جنوب بین‌النهرین قابل‌مشاهده بوده و یک نشان معنوی است. در این تصاویر مردان یا زنانی را در مقابل یا پشت به بنا به‌نمایش می‌گذارد که دامن بر تن دارند و حالت نیایش و درخواست آنان، عملی آیینی

را نشان می‌دهد که در مقابل معبد در حال انجام است. در این دو تصویر نشان چشم یا Innin هم وجود دارد، مشابه این آثارمهری در مهرهای بین‌النهرین نیز مشاهده شده است (Heinrich, 1957: 43, Abb41). این نشان در دوران متأخر به‌صورت یک ستون که شباهتی به میخ دارد نیز در آثار ایلامی قابل‌مشاهده است(Stopler & Salvini, 1992: 55, Fig 4). در اثرمهری که در شوش پدیدار شده(تصویر۲ب) به‌نظر می‌رسد سازه‌ای در حداقل دو طبقه بنا شده است. طبقهٔ اول همانند یک سکو است که روی آن بنایی مرتفع ساخته شده که ظاهراً ارتفاع آن تا شش‌متر می‌رسد. احتمالاً ورودی این عمارت در ضلع درازا ساخته شده و با یک پلکان به بالا یا تالار میانی راه داشته است. در نمای معبد شش نماد که شبیه نمادهای چشمی است، مشاهده می‌شود. در برخی منابع نقش این اثر مهر را معبد معرفی کرده و نشان روی آن‌را نماد معنوی نیز داده‌اند(حصاری، ۱۳۹٦: ۹۲). این‌گونه نمایش نماد در مهرها و اثرات مهری بین‌النهرینی تاکنون مشاهده نشده است، ولی باید گفت که نمونهٔ کاملی از این نماد شبیه چشم در جمدت‌نصر عراق به دست آمده که در موزهٔ برلین نگه‌داری می‌شود. این نشان از سنگ صابون ساخته شده و به احتمال زیاد در جنوب‌شرق ایران ساخته و به بین‌النهرین حمل شده است؛ هرچند که این نقش، شبیه شاخ گوزن نیز هست و باید این مورد را نیز یادآور شد که در برخی نقاط زاگرس‌مرکزی مخصوصاً در روستاهای کهگیلویه و بویراحمد، بر سردر منازل خان‌ها و شیرمردها، شاخ‌های گوزن نصب می‌کنند، و این امکان را برای بحث ما به‌وجود می‌آورد که شاید شاخ در این نقش، نشان‌دهندهٔ خانهٔ ارباب باشد تا یک معبد. هرچند که پاسخ کاملی نمی‌توان به آن داد ولی می‌توان فرض کرد که احتمال تغییر کاربری شاخ‌ها از آغاز شهرنشینی تا عصرحاضر وجود دارد و مسئلهٔ مهم دیگر این است که این‌گونه نقش منحصراً در خوزستان و فقط در بین آثار مهری شوش مشاهده شده و از دیگر نقاط ایران و بین‌النهرین تاکنون این نقش به دست نیامده است. شاید این نقش یک سنت محلی در خوزستان علی‌الخصوص در شوش باشد؛ هم‌چنان‌که در برخی محوطه‌های حاشیهٔ فرات به تصاویر سازه‌هایی برخورد

می‌شود که در محاصرهٔ مرغان آبی و اردک‌ها هستند و به‌نظر برخی از پژوهشگران مشخصهٔ سنت محلی در به نمایش درآوردن مکان‌های مقدس است (Dittmann,2017: 127). در مورد سردر ستون مانند این عمارت‌ها و شکل خاص آن‌ها نظرات مختلفی ارائه شده است؛ نظراتی از قبیل: نماد گلهٔ آسمانی، ارباب گله، سمبل چشم تا استاندارد و پرچم(Tallaquist, 1938: 46) که همگی در حال حاضر نه کاملاً قابل تأیید بوده و نه می‌توان آن‌ها را رد کرد.

از نقوش بسیار مهمی که از چغامیش در دست داریم، نقش اثر مهری است که به‌نظر می‌رسد یک زیگورات را به نمایش گذاشته است(تصویر دو الف)، در این نقش افرادی در حال عبادت در کنار و یا روی زیگورات هستند. بنا در سه طبقه و در هر طبقه چند در یا پنجره به تصویر کشیده شده است. به‌نظر برخی از محققان باستان‌شناسی اولین زیگورات به نام آنو پذیرفته شده است و آن‌را متعلق‌به دورهٔ جمدت‌نصر می‌دانند(Heinrich, 1984: 59)، ولی این نقش قدیمی‌تر ومربوط به اواخر هزارهٔ چهارم ق.م. و متعلق‌به دورهٔ اروک جدید یا شوش۲ است. چنین سازه‌هایی را شاید بتوان به‌عنوان یک گونهٔ معماری صادراتی به بین‌النهرین پیشنهاد کرد؛ چراکه عمارت آیینی قابل بازسازی بر روی اثر مهر چغامیش قطعاً دارای قدمت بیشتری از زیگورات آنو در دورهٔ جمدت‌نصر بین‌النهرین بوده است. شبیه این نقش زیگورات را بر روی مهری متعلق‌به آشور میانه که در بین‌النهرین به‌دست آمده است، می‌توان مشاهده کرد(Klengel-Brandt, 1997: Fig 18). با توجه به این نقش‌مایه‌ها که مفهوم و معانی مدنظر هنرمند را به‌عنوان سازه‌های آیینی/روحانی نشان می‌دهند، احتمالاً به دانش و بینش ساخت زیگورات در هزارهٔ چهارم ق.م. در خوزستان دست یافته بودند.

ما در تصاویر نشانه‌ای از پلکانی مانند زیگورات اور که از خارج بنا به طبقهٔ بالا راه داشته، نمی‌یابیم و با توجه به طبقات متعدد، به‌نظر می‌رسد که راه ورودی برای رسیدن به مکان اصلی انجام مراسم آیینی، از طبقه همکف و از داخل سازه از طریق پلکان یا

راهروهای سرپوشیدهٔ کناری مانند نمونهٔ آلتین‌تپه(Masson, 1981: 142) یا با تونل به طبقات بالا راه داشتند. نماد فضای آیینی(زیگورات) که بر روی قسمت پایانی سازه قرار دارد، دارای قسمت‌های پایانی مختلفی به‌شکل میلهٔ پرچم یا استاندار(حصاری، ۱۳۹٦: ۹۳، تصویر ۱۷) است که شبیه به نشانه‌های فضای آیینی تصویرنگارهای بین‌النهرینی هستند (همان: ۸۷-۸٦). این بناهای آیینی ممکن است یا به‌صورت مستقل یا درون بناها یادمانی قرار داشتند. به هر روی در بالای چهارچوب‌های اصلی ورودی‌ها، یک سری علائم افقی و عمودی وجود داشته که به احتمال زیاد دارای مفهوم و ارزش معنوی بودند. در یک نگاه کلی، نمای بنا، تناسبات و نشانه‌های مکان انجام باورها، به ما امکان بازشناسی این معماری را با کاربری آیینی/آعتقادی را می‌دهد. نشانه‌هایی یکسان در جنوب‌غرب ایران و بین‌النهرین در نیمهٔ اول هزارهٔ سوم ق.م. را می‌توان درنظر گرفت و که نشان‌دهندهٔ تعاملات فرهنگی-آیینی بودند.(Vallat,2003)

٦. عمارت‌های دیوانی

از ویژگی‌های خاص این دوره، پیدایش نظام مدیریتی و نظارتی است که همراه با نظام ذخیره‌سازی اطلاعات و نگارش ابتدایی است که خود انقلابی در رسانه ایجاد کرد. نشانه‌های این نظام در ابتدا کالانشان‌ها، توپک‌های توخالی و توپر گلی و گل‌نوشته‌های عددی هستند که در جنوب‌غرب ایران، جنوب و مرکز ایران، جنوب(بابیلون) و شمال (فرات) عراق نمایان می‌شوند. معمولاً در کاوش‌های باستان‌شناسی به آثار معماری مرتبط به فضاهای دیوانی برخورد می‌شود ولی این موارد انگشت‌شمار بوده، بیش‌ترین اطلاعات آن‌ها فقط در مورد پی بناست. یکی از مدارکی که در شناخت این عمارت‌ها به ما می‌تواند یاری رساند، نقوش مهرها و آثارمهری هستند.

تفاوت نقوش عمارت‌های دیوانی و آیینی در نماد، نشان یا پرچمی است که در عمارت‌های مذهبی مشخص است. این نشان‌ها شامل نمادهای چشمی و در موارد

اندک بناهایی در محاصرهٔ مرغان هستند. دو اثر مهر معرفی‌شده(تصویر۲ پ و ت) به احتمال زیاد عمارت دیوانی هستند که به امور سیاسی و اقتصادی در آن‌ها پرداخته می‌شود. هر دو عمارت نسبتاً پرکار و پر نقش ساخته شده‌اند. از ظاهر و نمای بنا، استنباط می‌شود که بنا در نما مربع‌شکل ساخته شده، یک ورودی داشته و پنجره‌های آن کشیده و مستطیل شکل هستند. برخلاف خانه‌های حصیری، دارای در و پنجره هستند. براساس داده‌های کاوش‌های باستان‌شناسی، این عمارت‌ها در نقشه به‌صورت مستطیل‌شکل ساخته‌شده که در میان آن‌ها درست در امتداد ورودی، تالار بزرگی برای آن ساخته و در اطراف تالار، اطاق‌های کوچکی قرار دارند که همگی به تالار میانی راه دارند. تمامی عمارت مسقف و نقطه‌ای از آن نیز به حیاط اختصاص نیافته است. این گونه عمارت‌ها با کمی تغییرات می‌توانسته کاربری آن‌را تغییر داد و در شرایط خاص آن‌ها را تبدیل به تالار اجتماع و مکان‌های برگزاری جشن شوند مانند نمونه‌ای‌که از حبوبه‌کبیره به دست آمده که چند محل آتش در اطاقی ساخته شده که احتمالاً آشپزخانه این محوطه بوده است (Heinrich, 1984: 22).

۷. عمارت‌هایی با بام گنبدی(سیلو)

آن‌چه از تصاویر مشخص می‌شود، این است که یک بنای چهارگوش دارای چندین گنبد است. تمامی گنبدها دارای یک قبه روی خود هستند که بعضی کوچک و بعضی بزرگ ساخته شده‌اند. گنبدها، هم بدون ساقه هستند(تصویر۳ الف) هم ساقه دارند(تصاویر۳ ب تا ت). در دو مورد(تصاویر۳ پ و ت) در کنار گنبد شاهد یک پلکان یا نردبام هستیم که افرادی از آن در حال حمل بار به بام این سازه‌ها هستند. آیا این سازه‌ها انبار یا سیلوی غلات هستند؟ و آیا در خوزستان انبارها را گنبددار می‌ساختند یا نه سقف مسطح هم ساخته می‌شد؟ در همین تصاویر پنجره نیز مشاهده می‌شود، اگر این سازه‌ها انبار باشند چرا برای آن‌ها پنجره‌های بزرگ ساخته‌اند؟ و

ممکن است که این پنجره‌ها، کور باشند؟ به برخی از این پرسش‌ها فعلاً نمی‌توان با قاطعیت به آن‌ها پاسخ داد و باید با احتمال به آن‌ها برخورد کرد.

در کاوش‌های باستان‌شناسی که در درهٔ اردن به انجام رسید، بقایای ساختمان‌های استوانه‌ای پدیدار شده که محل نگهداری ارزاق بوده است. ارزاق را هم به‌صورت بسته‌بندی و هم به‌صورت فله داخل این سیلوها قرار می‌دادند (Kuijt &Finlayson, 2009: 10966). در بیت‌یراح نیز از عصرمفرغ انبارهای استوانه‌ای‌شکل یافت شده است (Esse, 1991: 33-53). در حالی‌که شواهد باستان‌شناسی بدنهٔ سیلوها را استوانه‌ای نشان می‌دهد ولی شواهد تصویری ما از دورهٔ شهرنشینی بدنهٔ مکعبی‌شکل را نشان می‌دهد. در حبوبه‌کبیره آثاری از یک سیلو در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، که در آن بقایای میوهٔ خشک و کوزه‌های روغن یافت شده است. در همین محوطه و در کنار این انبار، ساختمان‌هایی به دست آمده که تالارهایی دارند که در آن تاقچه‌های(نیش) معماری که دو طرف آن ستون چسبیده است، قرار دارد. این تالارها سرپوشیده هستند و نقش حیاط را بازی نمی‌کنند و مدرکی از کاخ بودن آن نیز به دست نیامده است و احتمالاً این مجموعهٔ بنا، یک خانه متعلق به کسی است که مقام اداری مهمی داشته است و مسئول برگزاری تشریفات نیز بوده است و انبار برای همین موضوع تعبیه شده است(Heinrich, 1984: 9). نمونهٔ حبوبه‌کبیره احتمالاً با نقوش اثرات‌مهری شوش و چغامیش مطابقت کند و می‌تواند به برخی پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ دهد.

ساخت گنبد پیش از این در معماری بین النهرین، فرهنگ حلف در ارپاچیه (Mallowan & Rose, 1935: Fig15, 31)، معماری فرهنگ شولاوری- شومو در ماوراء قفقاز(Kiguradze, 1986: 12) و معماری تپه‌زاغه(ملک شهمیرزادی، ۱۳٦۷: ۵) مرسوم بوده ولی در اصل معماری سازه‌های گنبددار این محوطه‌ها، گرد بوده و این در حالی است‌که ما شاهد بناهای چهارگوش در این تصاویر هستیم همان‌گونه که از

معماری تپه‌زاغه دشت‌قزوین گزارش شده است. هم‌چنین در نقوش اثرات‌مهری، قبه‌هایی ملاحظه می‌کنیم که احتمالاً این قبه‌های روی گنبد دریچه‌هایی برای ریختن آذوقه داخل انبار باشند و پس از پرشدن آن‌را مسدود می‌کردند و قاعدتاً این اماکن باید برای حفظ حبوبات و غلات از رطوبت و حیوانات موذی به‌صورت خاصی ساخته می‌شدند، تا موجب فساد و نابودی آن‌ها نگردد. در چنین سازه‌هایی هوای گرم و نامطبوع از طریق روزنه و پنجره‌های روی گنبد به بیرون انتقال یافته و هوای مطبوع داخل گنبد می‌شده است. احتمالاً کف این بناها چند رج خشت و سنگ داشته که از نفوذ حیوانات موذی به داخل سیلو جلوگیری می‌کرده است. همچنین احتمالاً خروجی محصولات ذخیره‌شده مانند، سیلوهایی که تا چندی پیش در روستاهای غرب ایران رایج بوده است، از پایین سیلو و به‌صورت دریچه‌ای بوده است.

تصویر۳.

تصویر ٤.

۸. درگاهی و نورگیرها

معمولاً تقارن خاصی در محل در و پنجره‌ها وجود دارد. پنجره‌ها در محلی ساخته‌شده که نور کامل را به داخل بنا انتقال می‌داده است. بعضی از پنجره‌ها به‌نظر کور و تزیینی می‌آیند. در کنار ورودی‌های اصلی، براساس نقش‌مایه‌های بر روی مهرها، به بخشی از نمای سازه برمی‌خوریم که دیوارهای آن با ردیف ستون‌های چسبیده به دیوار یا پیل پا، نیچه‌های(کریز) کاذب، نمای بیرونی بنا را تزئین کرده است. بخشی از نقش‌مایه‌ها، تداعی‌کنندهٔ پنجره‌های بازشو و نورگیرهایی با چهارچوب‌های ثابت و مشبک، با نقش انتقال‌دهندهٔ نور به داخل فضاهای داخلی هستند. احتمال داده می‌شود که پنجره و نورگیرها با ترکیب‌بندی‌های هندسی از چوب ساخته می‌شدند. بعضی از پنجره و نورگیرها که در مکان بلندی در فضاهای معماری تعبیه شده‌اند، می‌تواند کوردر و تزئینی باشند. از چغامیش اثرمهری به‌دست آمده(تصویر٤ الف) که نقش آن سه درگاهی است که از گوشه‌های بالایی آن خطی مانند اَبرو به طرفین رفته است ولی این ابرویی‌شکل چیست؟ در دو نمونهٔ اثرمهری که از زیگورات آنو از جنوب عراق به دست آمده، توضیح اندکی به پرسش ما می‌دهند. هر دو اثر(تصاویر٤ ب و پ) شامل درگاهی هستند که دو خط از گوشه‌های آن‌ها بیرون می‌رود ولی کامل شده هستند و هردو همان نشان چشم یا Innin هستند. یکی از آن‌ها طاق قوسی و دیگری مسطح است این‌گونه نقش را در ظروف سنگ صابونی جیرفت(حصاری، ۱۳۸٤: تصویر۱٤ و۱۵) و شهداد(کابلی،۱۳٦۵: تصویر۱۰) می‌توان یافت، قطعاً نمونهٔ چغامیش قدیمی‌تر است به احتمال زیاد تمامی نمونه‌ها چه از جیرفت، شهداد و چغامیش و چه از جنوب بین‌النهرین دارای ارزش معنوی هستند و این‌گونه نقوش را در سبک فرامنطقه‌ای می‌توان تقسیم‌بندی کرد و در جیرفت و شهداد آن‌ها را مسبک مورد استفاده قرار داده‌اند.

۹. نتیجه‌گیری

ساخت یادمان‌های دیوانی و آیینی براساس نقش‌مایه‌های مهری، نشان از یک برنامهٔ از پیش طراحی شدهٔ معماری با سنجیدن تمامی امکانات فنی و معماری با ظرافت هنرمندانه است. این معماری نشان‌دهندهٔ رونق اقتصادی و قدرت نخبگان جامعهٔ آن‌روز است. موضوع یکی از نقش‌مایه‌ها، ذخیره‌سازی و انبارکردن است، این موضوع ما را با یک واقعیت روبه‌رو می‌کند و آن سنت طولانی ذخیره‌سازی است؛ موضوعی که در نمونه‌های بین‌النهرینی به‌چشم نمی‌خورد و این شاید به وضعیت محیط‌زیست یا مسائل راهبردی مرتبط باشد. بیش‌تر موضوعات بین خوزستان و بین‌النهرین مشترک است ولی برخی نقوش به‌نظر می‌رسد سنت منطقه‌ای است مانند نقش زیگورات و نقش شاخ‌مانند مهر شوش در خوزستان و نمونهٔ حبوبه‌کبیره در شمال بین‌النهرین که معبد در کنار مرغان ترسیم شده است. شباهت برخی نقوش نیز تعاملات نزدیک بین محوطه‌ها را نشان می‌دهد به‌خصوص نمونهٔ حاج‌نبی که کاملاً شبیه نمونه‌های شوش است.

کتاب‌نامه

حصاری، مرتضی(۱۳۸٤). «فرهنگ حوزهٔ جنوب‌شرق ایران». در *فرهنگ حاشیهٔ هلیل رود و جیرفت*. به‌کوشش مرتضی حصاری و صدیقه پیران. تهران: موزه ملی ایران.: ۸۷-۱۷.

_____ (۱۳۹۲). *شکل‌گیری و توسعهٔ آغازنگارش در ایران (از پیش‌نگارش تا آغازایلامی)*. تهران: انتشارات سمت.

_____ (۱۳۹٦). «شناخت، بازخوانی و مدل‌سازی بخشی از معماری هزارهٔ سوم ق.م. ایران براساس نقش‌مایه‌های سنگ‌صابونی». نشریهٔ *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. دورهٔ هفتم. شمارهٔ ۱۲.: ۸۳-۹۸.

حصاری، مرتضی و ایروانی‌قدیم، فرشید (۱۳۹۱). «سبک معماری دورهٔ آغاز تاریخی ایران و بین‌النهرین براساس نقوش مهر و اثرمهر». مزدک‌نامه ٤.: ۱۳۷-۱۲٤.

کابلی، میرعابدین(۱۳٦۵). «شهداد مرکز ایالت آراتا؟». مجلهٔ *باستان‌شناسی و تاریخ*. سال اول. شمارهٔ اول.: ٦۲-۵۰.

ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳٦۷). «بررسی طبقهٔ اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه». مجلهٔ باستان‌شناسی *و تاریخ*. سال دوم. شمارهٔ دوم.: ۱۲-۲.

Algaze, G., 2006. The Uruk World System: The Dynamics of Expansion o Early Mesopotamian Civilization. 2nd (second) Edition. University of Chicago Press.

Algaze, G., 2008 Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization: The Evolution of an Urban Landscape. The University of Chicago Press. Chicago and London.

Blocher, F., 2013. " Die Ikonographie der Inanna/Ischtar im alten Orient"". In: N. Crüsemann, M. van Ess, M. Hilgert, B. Salje. (Hrsg). Uruk 5000 Jahre Megacity. 83-94.

Dittmann, R. 2013. "Glyptik and Patterns of Urbanization─a Humble Approach". In: Kämmerer─ Rogge (Eds.). Patterns of Urban Societies. AOAT 390/. (Münster. Ugarit Verlag). 35─ 137.

_____. 2017. "The Representation of Architecture in Glyptic from the Middle Uruk─ to the earlier part of the Early Dynastic Period ─ Reality or pure Guesswork?"

APPROACHING THE EARLY DYNASTIC PERIOD(S). Elements for a Virtual Workshop. Münster.

Eichmann, R., 2013. " Frühe Grossarchitektur der Stadt Uruk". In: N. Crüsemann, M. van Ess, M. Hilgert, B. Salje. (Hrsg). Uruk 5000 Jahre Megacity. 117-127.

Esse, D. L., 1991. Subsistence, trade, and social change in Early Bronze Age Palestine (No. 50). Oriental Inst Publications Sales.

Heinrich, E. 1957. Bauwerke in der Altsumerischen Bildkunst. Wiesbaden.

_____. 1984. Denkmäler Antiker Architektur. Verlag Walter De Gruyter & Co. Berlin.

Huh, S. K. 2008. Studien zur Region Lagasch. Von der Ubaid─ bis zur altbabylonischen Zeit. AOAT 345 (Münster).

Jennings, J., 2011. Globalizations and the Ancient world. Cambridge University Press. U.S.A

Kiguradze, T.1986. Neolithische Siedlungen von Kvemo-Kartli, Georgien. AVAM 29 .Műnchen.

Klengel-Brandt .E 1997. Mit Sieben Siegeln Versehen. Berlin

Kuijt, I. & Finlayson, B., (2009). "Evidence for food storage and predomestication granaries 11000 years ago in the Jordon Valley". Proceedings of the National Academy of Sciences. Jully 2009. Vol.106. No.27. pp: 10966-10970.

Le Breton, Louis. 1957. "The Early Period at Susa, Mesopotamian Relations". IRAQ XIX(2): 79-124.

Legrain. 1936. Archaic Seal─Impressions. Ur Excavations Vol. III (London).

Mallowan. M. E & Rose .J. C. 1935. "Excavations at Tall Arpachiyeh". Iraq Vol II. Part1. London.

Masson, V. M. 1981. "Urban Centers of Early Class Society". In: P.L. Kohl (ed.), The Bronze Age Civilization of Central Asia, Recent Soviet Discoveries (New York) 135–148.

Moortgat, A. 1949. Tammuz. Der Unsterblichkeitsglaube in der altorientalischen Bildkunst. Berlin.

Nissen, H. J. 1987. "Übersicht über die Hauptzeicherformen der Archaischen Texte aus Uruk". In Green and Nissen (Eds). Zeichenliste der Archaischen Texte aus Uruk. Berlin.

Pittman, H. 1999. "Administrative Evidence from Hacinebi Tepe: An Essay on the Local and the Colonial". Paléorient 25/1. 43-50.

Rova, Elena. 1994. Ricerche sui sigilli a cilindro Vicino─Orientali del period di Uruk/Jemdet Nasr. Orientis Antiqui Collectio XX (Roma).

Stein, G. J. 1999. "Material Culture and Social Identity: the Evidence for a 4 TH Millennium BC Mesopotamian Uruk Colony at Hacinebi, Turkey". Paléorient Vol. 25.1.11-22.

Strommenger, Eva; Sürenhagen, D. & Rittig, Dessa. 2014. Die Kleinfunde von Habuba Kabira─Süd. WVDOG 141. Harrassowitz.

Tallqvist, Knut. 1938. "Akkadische Götterepitheta". Studia Orientalia VII, Helsingfors. 1-244.

Stopler . M. W. & Salvini, A. B. 1992. "The Written Record". In Harper et all., (Eds) Royal city of Susa. New York.

Vallat, F. 2003. " L'origine Orientale de la Ziggurat". Dossiers d' Archeologie, no 287. 92-95.

Van Ess, Margarete. 2013. Uruk ─ Verortung in Raum und Zeit. In: Crüsemann et al., (Eds). Uruk. 5000 Jahre Megacity. 39─45.

تصاویر

الف: اریک

Amiet, 1980: 337, Pl 43, #32

ب: شوش

Le Breton, 1957: 107, Fig 21.

پ: شوش

Amiet, 1980: 261, Pl 10, 186

ت: اروک

Moortgart, 1949: Taf XXX2

ث: زیگورات آنو لایه دوم

Amiet, 1966: 327, Pl 13, 2&0

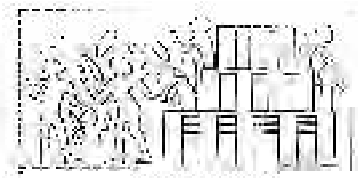

الف: چغامیش
Kantor & Delougaz, 1996, Pl 151c

ب: شوش
Amiet, 1972: Pl 18, 685

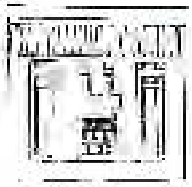

ب: چغامیش
Kantor & Delougaz, 1996: Pl 154c

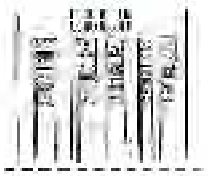

ب: شوش
Amiet, 1992: Pl 18, 688

ث: چغامیش
Kantor & Delougaz, 1996: Pl 194a

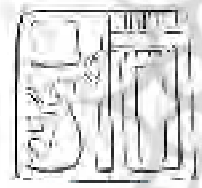

ج: شوش
Amiet, 1980: 279, Pl 18, 271

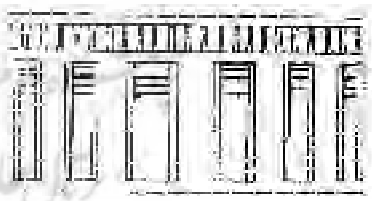

ج: چغامیش
Kantor & Delougaz, 1996: Pl 194a

ج: شوش
Amiet, 1992: Pl 93, 1028

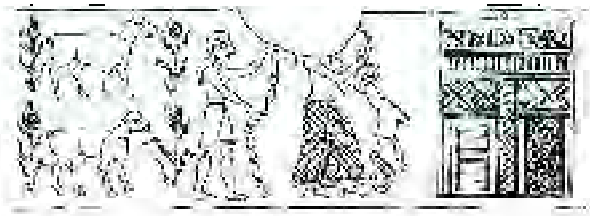

ج: معبد اِنّا
Amiet, 1992: 328, Pl 44, 662

الف: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 151c

ب: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 695

ب: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996. Pl 154c

ت: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 690

ت: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996. Pl 154a

ج: شوش
Amiet, 1980: 279, Pl 18. 271

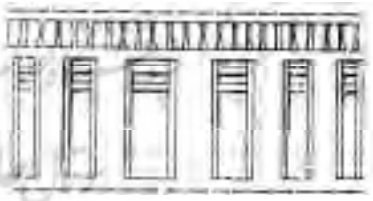

ج: چغامیش
Kantor & Delugaz, 1996: Pl 154e

ح: شوش
Amiet, 1972: Pl 18. 692a

خ: معبد اِنا
Amiet, 1980. 339, Pl 44. 642